



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

رازِ جاویدانگی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راز جاودانگي وقف

نويسنده:

معاونت فرهنگي واجتماعي سازمان اوقاف و امور خيريہ

ناشر چاپي:

اسوه - سازمان اوقاف و امور خيريہ جمهوري اسلامي ايران

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	راز جاودانگی وقف
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۱	مقدمه
۱۴	- یک - برای شروع
۱۴	اشاره
۱۶	قرآن و اهل بیت علیهم السلام
۱۹	ایران...
۲۲	-دو-چرا؟
۲۲	اشاره
۲۳	همیشه باشیم!
۲۸	کوله پشتی سنگین
۳۰	خواب یا بیدار؟
۳۲	سرمایه گذاری
۳۶	کار خیر
۳۸	راه بی نهایت
۴۰	- سه - چه چیزی و برای کجا؟
۴۰	اشاره
۴۵	یک داستان و حرف حساب!
۴۸	مثل هوا
۴۹	یک دوربین ساده
۵۱	هاروارد و الازهر!
۵۲	نرم افزاری ساده!

۵۵	فراموش شدگان!
۵۷	گاری
۵۸	مشارکت در دانش!
۵۹	مرکز مشاوره!
۶۱	یک شارژر کوچک!
۶۳	خاطره‌های از هوای خنک
۶۵	وسایل و مسائل!
۶۷	وقتی نمی توانیم بیمارستان وقف کنیم!
۶۹	همه می تونند!
۷۰	برای کودکان
۷۲	چهار - چگونه؟
۷۲	اشاره
۷۴	۱. معین نمودن پیگیری کننده ثبت وقف:
۷۵	۲. تعیین نوع مال:
۷۵	۳. تعیین تولیت موقوفه:
۷۵	۴. تعیین ناظر بر موقوفه:
۷۵	۵. تعیین مورد مصرف:
۷۶	۶. جاری نمودن صیغه وقف:
۷۶	۷. ذکر شروط وقف:
۷۶	۸. اقباض:
۷۷	۹. عمل به نیت وقف:
۷۷	۱۰. بقاء موقوفه:
۷۷	۱۱. تعیین حق التولیه و یا حق النظاره:
۷۷	۱۲. ضرورت تعیین تکلیف ابهام املاک:
۷۷	۱۳. تأکید بر اخلاص:
۷۸	۱۴. تنظیم وقف نامه رسمی:

۷۸ ۱۵. درج مشخصات کامل:

۷۹ ۱۶. رابطه واقف و موقوفه:

۷۹ ۱۷. وقف ملک مشاع:

۸۰ درباره مرکز

سرشناسه: سلیمانی، محسن، 1359 شهریور -

عنوان و نام پدیدآور: راز جاودانگی / گردآورنده محسن سلیمانی؛ ویراستار رامین بابازاده؛ کاری از مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه.

مشخصات نشر: قم: انتشارات آنبات، 1398.

مشخصات ظاهری: 72ص

شابک: 250000 ریال: 0-6-96094-622-978

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: وقف

موضوع: Waqf

شناسه افزوده: سازمان اوقاف و امور خیریه. معاونت فرهنگی و اجتماعی. مجتمع فرهنگی آموزشی

رده بندی کنگره: BP193/2

رده بندی دیویی: 293/372

شماره کتابشناسی ملی: 5900161

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

ص: 1

اشاره

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

ص: 2

مقدمه...4

یک - ...7

برای شروع...

دو - ...15

چرا؟

سه - ...33

چه چیزی و برای کجا؟

چهار - ...65

چگونه؟

ص: 3

کمتر کسی است که در طول زندگی اش کلمه «موقوفه» را نشنیده باشد، مثلاً سردر مدرسه، کتابخانه، درمانگاه، مسجد، حسینیه، دارالقرآن و حتی آب انبارهایی که دیگر از آنها استفاده زیادی نمی شود. شاید برایتان جالب باشد که بدانید فقط در کشور ما چیزی در حدود 190 هزار موقوفه وجود دارد که همه این موقوفات مجوزی شده اند برای باقی ماندن واقفین آنها تا ابد!

نگاهی به ساعت تان بیندازید، زمان در حال گذر است؛ خیلی زود، تند و سریع... دقایقی کلمات این نوشته ها را به چشمان تان هدیه دهید! جای دوری نمی رود. آخرش راه جاودانگی است؛ این کلمات اکسیری به شما میدهند برای بودن تان بعد از نبودتان. در واقع، این نوشته ها تلاش می کنند پیامورزند که چگونه جاودانه شویم! خواندن این کلمات شاید چیزی در حدود بیست دقیقه از شما وقت بگیرد! بیست دقیقه در قبال جاودانه شدن می ارزد... نمی ارزد؟!!

قرآن می فرماید: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ، از مال خود در راه خدا انفاق کنید و خود را به هلاکت نیندازید و نیکوئی و احسان کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد» (1)

ص: 4

- یک - برای شروع

اشاره

ص: 7

شروعش برمی گردد به قرن ها پیش! ممکن است تصور کنید این مسأله فقط در اسلام بوده است، اما این گونه نیست. پیش از اسلام در کشورهای دیگر و سایر ادیان نیز چیزی شبیه وقف وجود داشته است. درست است که از لحاظ قوانین و احکام شرعی، فرق هایی میان آنچه اسلام از وقف می گوید و آنچه در جاهای دیگر است وجود دارد، اما آخر همه شان ختم می شود به یک چیز: جاودانگی!

مثلا- گفته می شود رومیان، مصریان، بابلیان و سایر تمدنها، مراکزی داشته اند که مردم می توانستند اموالشان را به آنها بدهند تا خرج موردی که می خواهند بشود. مثلا می توانستند اموالشان را بدهند تا اصل آنها یا پول فروش آنها به مصرف فقرا و افراد ناتوان برسد.

ایرانیان قدیم نیز برای نگه داری از معبدها و آتشکده ها، موقوفات و اموال زیادی داشته اند که برخی از آنها هنوز هم در شهرهایی مثل یزد و کرمان وجود دارد. در آلمان، سوئیس، فرانسه، انگلستان و حتی آمریکا نیز

ص: 8

چیزی شبیه وقف وجود دارد و شاید جالب باشد که بدانید دانشگاهی مثل دانشگاه هاروارد نیز عملاً موقوفه است؛ یعنی عده ای هزینه هایش را داده اند تا در آن فعالیت های علمی صورت بگیرد. امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام فرمودند: «المُحْسِنُ حَيٌّ وَإِنْ نُقِلَ إِلَى مَنَازِلِ الْأَمْوَاتِ؛ نیکوکار زنده است، هر چند به خانه های مردگان منتقل شود». (1)

قرآن و اهل بیت علیهم السلام

کتاب خدا پر است از توصیه و تأکید نسبت به انجام کارهای خیر؛ و چه کار خیری بهتر از وقف که تا ابد می ماند. خیریه ها تمام می شوند. امروز می رسد به دست نیازمند و فردا دیگر نیست. اما وقف تا همیشه هست، تا ابد هست. با وقف است که می شود جاودانه شد و جاودانه ماند. تفاوت اصلی میان خیریه و وقف نیز همین است.

اولین واقف در اسلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند و نام موقوفه هم «حوائط سبعة»! یعنی باغ های هفت گانه. این باغها به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه شد و ایشان

ص: 9

نیز همه آنها را وقف کردند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در طول زندگی شان وقف های زیادی انجام دادند و سیره ایشان آن چنان در بین اصحاب رایج شد که از یاران و اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی نبود که توانایی مالی داشته باشد و چیزی را وقف نکرده باشد.

حضرت علی علیه السلام با زحمت و تلاش خود، باغ و چشمه ای ایجاد می کرد و در اولین فرصت وقفش می کرد برای خدا. کدام یک از ما حاضریم به این سرعت، حاصل دست رنجمان را برای خدا بدهیم. ایشان خانه اش را نیز وقف کرد. حضرت زهرا علیها السلام و باقی فرزندان ایشان نیز وقف می کردند و اساسا وقف یکی از اعمالی است که در سیره اهل بیت علیهم السلام و شاگردان و نزدیکان به ایشان، به وفور یافت می شود.

روش وقف کردن اهل بیت علیهم السلام هم برای همه ما درس است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و بعد از ایشان اهل بیت علیهم السلام از مشکل و مسأله به وقف می رسیدند؛ یعنی نگاه می کردند و مشکل را پیدا می کردند و سپس برای رفع آن، وقفی انجام می دادند که تا ابد برای حل آن مشکل خرج شود. اگر ایشان

اکنون در بین ما بودند، یقیناً برای معضلات اجتماعی، مشکل اشتغال و... وقتی انجام می دادند، چرا که یکی از مسائل امروز ما همین است.

وقف کردن برای عزاداری، ایده خلاقانه اهل بیت علیهم السلام بود. جالب ایناست که محل این عزاداری، خانه خدا و موسم حج قید شده بود؛ یعنی زمانی که همه مسلمانان جمع می شوند، مصیبت امام حسین عالی خوانده شود تا روشنگری باشد و این واقعه فراموش نشود. قطعاً بسیاری از کسانی که این ماجرا را در حج میشنیدند، وقتی به دیار خود باز می گشتند، سفیر واقعه کربلا می شده اند.

قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةَ وَلَا شَفَاعَةَ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از آنچه به شما روزی کردیم انفاق کنید! پیش از آنکه روزی بیاید که نه کسی برای گشایش خود چیزی تواند خرید و نه دوستی و شفاعتی به کار آید». (1)

ص: 11

قبل از اسلام وقف در ایران بوده است، اما پس از ورود اسلام، به جهت ساختار و احکام ویژه ای که برای آن ذکر شده، وقف جایگاه بالاتری نسبت به گذشته پیدا کرد. گفته شده در دوره سلجوقیان اولین مجموعه ای که متولی وقف باشد در کشور ایجاد شد و ناظر ویژه ای از طرف حکومت برای مدیریت موقوفات تعیین گردید. مغول ها نیز پس از تصرف ایران و بعد از آنکه مسلمان شدند، موقوفات زیادی به وجود آوردند و خودشان ترویج کننده وقف بودند.

شاید جالب باشد که بدانید بیشترین توسعه وقف مربوط به دوران صفویه است و پس از آن گسترش موقوفات به این اندازه درخشان نبوده است. در برخی زمان ها مثل افشاریه و پهلوی، موقوفات به تاراج رفت و به جای حل مشکلات جامعه و خرج دین و مردم شدن، در خدمت دربار قرار گرفت. پس از پیروزی انقلاب فتوای تاریخی حضرت امام خمینی رحمه الله که «موقوفات باید به حالت وقفیت باقی و عمل به وقف شود»، در سال 1363 منجر به تصویب قانونی ماندگار در تاریخ وقف شد» .

«از تاریخ تصویب این قانون، کلیه ی موقوفاتی که بدون مجوز شرعی به فروش رسیده یا به صورتی به ملکیت درآمده باشد، به وقفیت خود بر می گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه ی اعتبار ساقط است.»

امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام فرمودند: « الصَّدَقَةُ وَالْحَبْسُ ذَخِيرَتَانِ فَدَعُوهُمَا لِيَوْمِهِمَا ؛ صدقه و وقف دو ذخیره اند، آنها را برای روز خودشان (قیامت) وانهد.» [\(1\)](#)

ص: 13

1- دعائم الإسلام، ج 2، ص 340.

-دو-چرا؟

اشاره

ص: 15

ما انسانها دوست داریم زندگی ابدی داشته باشیم! همیشه باشیم و هرگز نمیریم! وقتی به یاد دوستان و آشنایانی می‌افتیم که با آن همه برو و بی‌انحالا زیر خروارها خاک خوابیده‌اند و هنوز دو سه سال از مرگشان نگذشته، فراموش شده‌اند و این بالا، خانواده و اطرافیان زندگی‌شان را می‌کنند بی‌او؛ این علاقه به زندگی ابدی بیشتر می‌شود.

اولین چیزی که بعد از مرگ از بین می‌رود و دیگر برای ما نیست، همین مال و اموال و دارایی‌مان است. اما راهی هست که ابدی شویم، آن هم با همین مال و اموالی که تا این حد بی‌وفاست! خدا این راه زیبا را برای ما قرار داده است. یک کلمه سه حرفی که سخت تصورش می‌کنیم، اما آسان‌تر از این هاست؛ «وقف».

این کلمه سه حرفی، راه ابدی شدن و جاودانه شدن ماست. خیلی ساده، نگاه کنیم به اطرافمان، یک مشکل که می‌توانیم رفعش کنیم را پیدا کنیم، برای رفع آن مشکل چیزی وقف کنیم و تا ابد جاودانه شویم.

با وقف می توانیم کاری کنیم که تا دنیا دنیاست ، دارایی مان باقی بماند. آن هم نه یک باقی ماندن بی ثمر. باقی ماندنی که پرونده عمل ما را باز نگه می دارد و هر روز در آن خوبی ثبت می شود.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «لَيْسَ يَتَّبِعُ الرَّجُلَ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثُ خِصَالٍ: صَدَقَهُ أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي بَعْدَ مَوْتِهِ وَ سُنَّةٌ سَنَّهَا هَدَىٰ فَهِيَ تُعْمَلُ بِهَا بَعْدَ مَوْتِهِ وَوَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ.»؛ انسان پس از مرگ خود مزدی دریافت نمی کند مگر از سه خصلت:

اول: صدقه جاریه ای که در زندگی خود فراهم کرده و پس از مرگش هم مورد استفاده است (مثل اینکه چاه آبی کنده یا پلی ساخته یا کتاب دینی منتشر کرده و وقفی از خود گذاشته که به ارث نمی رود؛

دوم: دستور درستی که به وجود آورده و خود بدان عمل می کرده و کسانی که بعد از او هستند بدان عمل کردند؛

سوم: فرزند شایسته ای که برای او آموزش بخاهد».(1)

ص: 17

گریه های بلند بلند مادری در قبرستان پیچیده است. تابوت را می آورند، بدن را داخل قبر میگذارند، تلقین می خوانند و دفن می کنند. خاک سرد است؛ چند ساعت بعد، از آن گریه ها دیگر خبری نیست. انگار که از دل برود هرآنکه از دیده برفت.

میفهمی با همه علاقه ای که خانواده نسبت به آدم دارند، چه زود فراموش می شود. فامیل و همکار و هم محله ای ها که جای خود دارند؟ دلت پیش آن جوان می ماند.

شب، سری به آرامگاهش میزنی، پیرمردی را می بینی که کنار قبر نشسته و قرآن می خواند؛ از همان هایی است که اجرتی می گیرند تا شب اول قبر، بالای سر مرده قرآن بخواند.

اولین شب است که جایش در دنیا خالی است، ولی دیگر کسی سراغش را نمی گیرد، با اینکه الان بیشتر از هر وقتی به توجه خویشان محتاج است؛ خواندن آیه قرآنی، دعا و خیراتی ورد حق الناسی. انگار که هیچ وقت نبوده،

فراموش می شود. تنها یادگاری ای که از او مانده، عکسی است که آگهی ترحیمش را پر کرده و تنها یادی که از او می شود، در مراسم هفتم و چهلم است و شاید سالگرد.

به این فکر میکنی که قرار است کل حیات تو، همین شصت هفتاد

سالی باشد که نفس میکشی و زندگی می کنی؟ آیا توهم محکوم به فراموش شدن هستی؟ آیا می شود جاودانه شد؟ می شود همیشه جاری بود؟ حتی بعد از مرگ؟

فکر میکنی و همین طور که بی هدف در قبرستان قدم می زنی، چشمت می افتد به تابلویی که فرمایشی از پیامبر را قاب کرده:

« انسان باید برای آخرتش از دنیا، برای مرگش از زندگی و برای پیری اش از جوانی توشه بگیرد؛ چرا که دنیا برای شما آفریده شده و شما برای آخرت آفریده شده اید.» (1)

ص: 19

1- فَلْيَتَرَوِ الْعِبَادَ مِنْ دُنْيَا لآخِرَتِهِ وَمِنْ حَيَاتِهِ لِمَوْتِهِ وَ مِنْ شَبَابِهِ لِهَرَمِهِ فَإِنَّ الدُّنْيَا خُلِقَتْ لَكُمْ وَأَنْتُمْ خُلِقْتُمْ لآخِرِهِ. تنبيه الخواطر و نزهه النواظر، ج 1، ص 131.

فکر میکنی که در دنیا بودن برای دنیا نیست؛ برای آخرت است!

بیشتر به فکر فرو می روی. باید کاری کنی که آخرت آباد شود... ولی با این عمر محدود؟

باید کاری کنی که جاودانه شوی. نباید کل زندگی محدود شود به همین چند سال. باید کاری کنی... کاری که بعد از مرگ هم، پرونده اعمال باز بماند و توشه آخرت را سنگین کند.

ولی چه کاری؟!؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: « إِنَّ مِمَّا يُلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهِ وَحَسَنَاتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: عِلْمًا عَلَّمَهُ وَنَشْرَهُ، وَوَلَدًا صَالِحًا تَرَكَهُ، أَوْ مُصَدِّقًا وَرَثَتَهُ، أَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ، أَوْ بَيْتًا لِابْنِ السَّبِيلِ بَنَاهُ، أَوْ نَهْرًا أَجْرَاهُ أَوْ صَدَقَةً أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فِي صِحَّتِهِ وَحَيَاتِهِ تَلَحُّقُهُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ؛ از اعمال و حسنات مؤمن آنچه پس از مرگش [ثوابش به او می رسد، دانشی است که تعلیم دهد و منتشر کند، یا فرزند صالحی که از خود بر جای گذارد، یا مصحفی که به ارث گذارد، یا مسجدی که بسازد، یا خانه ای که برای مسافران بسازد، یا نهری که حفر کند،

ص: 20

یا صدقه ای که در زمان تندرستی و حیات از دارایی خود برقرار سازد، [ثواب اینها] بعد از مرگش به او می رسد».(1)1

کوله پشتی سنگین

هنوز فاصله زیادی تا قله مانده! این کوله پشتی سنگین، امانت را بریده .

به سختی قدم بر می داری، جوری که دوست متوجه حال نزارت می شود . پیشنهادی می دهد که بی معطلی قبول میکنی . پیشنهاد می دهد که وسایل کوله ات را سبک کنی و به او بدهی که کمک حالت شود تا قله . خیالت را راحت می کند که این کار نه تنها باعث زحمت و ناراحتی اش نمی شود، بلکه هر چه بیشتر وسایلت را به او بسپاری، بیشتر خوشحالش کرده ای . بالاخره او کوهنورد حرفه ای است!

چه احساس خوبی! از طرفی احساس کمبود نمیکنی، چون به مقدار نیازت تغذیه داری، از طرف دیگر، خیالت از بابت وسایل هم راحت است؛ آنها را دست کسی سپرده ای که مورد اطمینان است. ضمناً زحمت حمل

ص: 21

1- التریغ والترهیب، ج 1، ص 99، ح 24.

آنها هم از دوشت برداشته شده؟

مال و اموالمان این قدر بر دوشمان سنگینی می کند که حتی بعضی شب ها خواب راحت نداریم. دائما فکرمان را مشغول کرده است که کجا نگهداری اش کنیم، چه طور مواظبش باشیم، نکند دزد به سراغش بیاید و...

نگاهی به خودمان بیندازیم و مال و اموالی که به سختی در کوله پشتی جا داده ایم. نگاه کنیم که با چه مشقتی این بار سنگین را به سمت قله قیامت می بریم. نگاه کنیم به پیشنهاد سخاوتمندانه دوستی که نامش خداست. آن مال ها می توانند پله ای شوند برای بالا رفتن مان. حتما یک چیزولو کوچک در این کوله پیدا میشود، همان را وقف کنیم، وقف ما را ابدی می کند؟

امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام فرمودند: «و اعلم ان امانك طريقا ذا مسافه بعيده، و مشقه شديده، و انه لا غنى بك فيه عن حسن الارتياح، و قدر (قدر) بلاغك من الزاد، مع خفه الظهر، فلا تحملن على ظهرك فوق طاقتك، فيكون ثقل ذلك وبالا عليك، و اذا وجدت من اهل الفاقه من يحمل لك زادك الى يوم القيامة - فيوافقك به غدا حيث تحتاج اليه - فاغتنمه و حمله اياه، و اكثر من تزويده؛ بدان راهی بس طولانی و پر مشقت در پیش داری... بیش از حد توانت مسئولیت اموال دنیا را بر دوش مگیر، زیرا سنگینی آن مایه مشقت و

ص: 22

وبال تو خواهد بود. هرگاه در زمانی که قدرت داری، نیازمندی را یافتی که می تواند زاد و توشه تو را برای روز رستاخیز تو بر دوش گیرد و فردا که به آن نیازمند می شوی به تو باز پس گرداند، آن را غنیمت بشمار و هر چه بیشتر، این زاد و توشه را بر دوش او بگذار.» (1)

خواب یا بیدار؟

گاهی از اوقات بعضی از اعضای بدن، خواب می روند. اگر مدتی به یک حالت بنشیننی و بعد بخواهی بلند شوی، باید چند دقیقه ای وقت بگذاری برای بیدار کردن پایی که خواب رفته و هیچ احساسی ندارد. دلیلش این است که مدتی است تکان نخورده و از آن استفاده نشده. کمی که تکانش بدهی، دوباره بیدار می شود و می شود همان پای همیشگی!

اگر این خواب رفتن فقط منحصر به پا باشد، اشکالی پیش نمی آید. فووش چند بار تکانش میدهی و درست می شود؛ اما امان از آن روز که وجدان کسی به خواب برود! حتما چنین آدم هایی را دور و برت دیده ای .

ص: 23

آن قدر وجدانشان را تکان نداده و از آن استفاده نکرده اند که رفته به یک خواب طولانی.

جلوی چشم شان بیماری را می بینند که به دلیل تأمین نشدن پول عمل، جان خود را از دست می دهد و ککشان هم نمیگزد؛

می بینند بچه هایی از فقر و بی سوادى رنج می برند و عین خیال شان هم نیست؛ یا هزاران هزار درد دیگر که وجدان به خواب رفته شان، احساسش نمیکند.

از آن طرف می بینی بعضی وجدانها، همیشه بیدارند. سکون و خواب نمی شناسند. وجدانهای بیداری که درد مردم، درد آنهاست و خوشی مردم، خوشی شان. دنبال کمبودها می گردند تا خودشان رفع شان کنند و یا بگردند دنبال کسی که بتواند برای رفع شان کاری کند.

اگر با این نگاه، چرخى در محل زندگى ات بزنى، اماکنى چون مسجد، مدرسه، درمانگاه و بیمارستان می بینی با تابلویی که نوشته: «موقوفه...». کسانی که وجدان شان بیدار است و دنبال درد مردم اند و می خواهند با «وقف»، گروهی از کار آنها باز کنند.

ص: 24

امام صادق علیه السلام فرمودند: «ما کثر مال رجل قط إلا عظمت الحجة لله تعالى عليه، فإن قدرتم أن تدفعوها عن أنفسكم فافعلوا، فقيل: بماذا؟ قال: بقضاء حوائج إخوانكم من أموالكم؛ هیچ گاه ثروت کسی زیاد نشد، مگر اینکه حجت خدای متعال بر او بزرگ شد. پس، اگر می توانید این حجت را از خود دور کنید، این کار را بکنید».

عرض شد: با چه چیز؟ فرمود: «با برآوردن نیازهای برادران خود از اموال تان» (1).

سرمایه گذاری

تا الان به ذهنت رسیده به کشاورزی که زمینش را شخم می زند، بگویی چرا این قدر خودت را به زحمت می اندازی و زمین خشک و خالی را زیر و رو می کنی؟! یا مثلاً وقتی گندم ها را بر زمین می پاشد، بگویی چرا این همه گندم را حرام می کنی؟! یا هنگام آبیاری بگویی حیف است که این طور آب را روی زمین خشک رها کرده ای؟!

ص: 25

1- الامالی، شیخ طوسی، ص 302، ح 600؛ بحار الأنوار، ج 74، ص 302، ح 39.

چرا که میدانی این ها ظاهر کار است، اما اگر به حقیقت کار نگاه کنی، می فهمی کشاورز دارد سرمایه گذاری می کند. اگر با دقت به محصولش رسیدگی و در مقابل آفات از آن حفاظت کند، سودی که بعد از فروش محصول نصیب او می شود، چندین برابر هزینه ای خواهد بود که صرف کرده.

حالا کشاورزی را تصور کن که زمین و آب و دانه داشته باشد، ولی کشاورزی نکند! سرزنش اش نمی کنی که چرا این طور نشسته و دست روی دست گذاشته؟

حکایت سرمایه های ما هم، درست مثل همان کشاورز است. باید آنها را به بهترین نحو ممکن به کار انداخت. نباید لحظه ای از آنها غافل شد؛ درست مثل سرمایه دارانی که لحظه ای از چک کردن تابلوی بورس غافل نمی شوند، مبادا لحظه ای غفلت باعث شود ضرر سنگینی را متحمل شوند.

شاید تا الان در راستای این سرمایه گذاری اقداماتی کرده باشی و فکریایی هم برای آینده در ذهن داشته باشی. احتمالاً همه آنها یک خصوصیت مشترک داشته و دارند: مدت زمان محدود. مثلاً فقیری را اطعام کرده ای، به

مدت یک دهه شام روضه مسجد را متقبل شده ای و یا هزینه تحصیل یک سایر دانش آموزی را پرداخت نموده ای.

قطعاً تمامی این کارها ارزشمند است، ولی شاید لازم باشد در کنار اینها، به یک سرمایه گذاری بلندمدت هم فکر کنی و در زمین دنیایت چیزی بکاری که تا سالیان سال، از محصول آن برداشت کنی، حتی پس از مرگ.

چشمهای جاری کنی که مدت ها بجوشد و تا صدها سال پس از مرگت، هرکس جرعه ای از آن بنوشد، بهره ای نصیبت شود. شاید لازم باشد در این تجارت خانه دنیا، کمی هم برای «وقف» سرمایه گذاری کنی.

امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام فرمودند: «: لا یتبع أحداً من الناس بعد الموت شیءٌ إلا صدقةٌ جاریهٌ أو علمٌ صوابٌ أو دعاءٌ ولدی؛ چیزی پس از مرگ مردم دستگیرشان نخواهد شد بجز صدقه جاریه یا علم صحیح و درست یا دعای اولاد».⁽¹⁾

ص: 27

1- دعائم الاسلام، ج 2، ص 340، ح 1278.

افرادی که نصیحت هایشان همراه است با عمل، خیلی بهتر نتیجه می گیرند تا کسانی که نشسته اند و فقط دیگران را دعوت میکنند به عمل. گاهی ما یک گوشه می نشینیم و منتظریم تا دیگران کاری کنند و قدمی بردارند! نه! این راهش نیست! باید پیش قدم شویم! چرا که دیگران قبل از آن که به نصیحت های ما عمل کنند، به رفتارمان نگاه می کنند تا ببینند خودمان هم برای حرف های مان ارزشی قائلیم یا فقط برای دیگران نسخه می پیچیم!

مسأله دعوت به وقف هم همین است. اگر خوب است، نشستن، ما را به فایده هایش نمی رساند. باید پیش قدم شد! اگر بنشینیم و فقط از خوبی های وقف بگوییم و اثرات فردی و اجتماعی اش و اینکه حتی با هزینه های اندک می شود بعضی مشکلات در دسرساز را حل کرد، تأثیر چندانی نخواهیم دید. اما وقتی دست به کار شویم و خودمان قبل از هر کس پیش قدم شویم برای عمل، آن وقت می توانیم توقع داشته باشیم که عده ای راهمان را ادامه دهند.

ص: 28

خیلی ها از عمل ما الگو میگیرند و پس از مدتی آنها هم «واقف» می شوند.

اول از خودمان شروع کنیم و عمل کنیم. عمل ما از هر حرف و محصول فرهنگی و جلسه ای تأثیرش بیشتر است. عمل مان را خالص کنیم برای خدا... خدا خودش در آن عمل تبلیغ و ترویج را قرار خواهد داد. مطمئن باشیم!

امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام فرمودند: «لَمْ يَمُتْ مَنْ تَرَكَ أفعالاً يُقْتَدَى بِهَا مِنَ الْخَيْرِ؛ کسی که کارهای شایسته ای از خود به یادگار گذارد که دیگران از او پیروی کنند، هرگز نمرده است (بلکه زنده جاوید است)».(1)

کار خیر

پرونده زندگی ات را مرور می کنی و به کارهای خیری که تا به حال انجام داده ای، نگاهی می اندازی. فکر میکنی کاش می توانستی کار خیری کنی که ماندگار باشد. علاوه بر نماز، دعا، زیارت، مجالس اهل بیت علیهم السلام، اطعام فقیر، صدقات ماهانه و از این قبیل خیرات که تنها تا وقتی می توانی انجام شان بدهی که هستی! کاش می شد کار خیری انجام داد که حضورت

ص: 29

در آن لازم نباشد و حتی وقتی نیستی هم، انگار که داری انجام شان میدهی؟

هرازگاهی که چشمت به بیمارستان ها، مدارس، حسینیه ها و مساجدی که بعضی توفیق ساخت شان را داشته اند می افتاد، حسرت می خوردی، ولی خودت را آن قدر توانمند نمیدیدی که از این کارها در پرونده ات ثبت کنی. شاید اگر می توانستی حداقل در ساخت یکی شان به قدر وسعت شریک میشدی! ولی مشکل جای دیگری بود؛ انگار برایت سخت بود که بخشی از سرمایه ای که با زحمت به دست آورده ای، این طور جلوی چشمان خودت از دست بدهی.

از وقتی که از آرامگاه برگشته ای، نسبت به دنیا دل سرد شده ای. صحبت هایی که امشب در مسجد شنیده ای هم بی تأثیر نبوده؛ کسی که فکر میکند بذل و بخشش در راه خدا اتلاف مال است، در کلام امام حسن علیه السلام «بخیل» نامیده شده است. (1)

وقتی به این فکر میکنی که هر قدر هم ثروت را در این دنیا بیشتر کنی،

ص: 30

1- امام حسن علیه السلام: «البخل أن يرى الرجل ما أنفقهُ تلفاً، وما أمسكهُ شرفاً؛ بخل آن است که آدمی آنچه را بخشیده است، تلف و آنچه را نگه داشته شرف بیندارد». اعیان الشیعه، ج 1، ص 577؛ بحار الأنوار، ج 75، ص 113، ح 7.

باز هم مثل بقیه با دست خالی خواهی رفت، دنیا در چشمت کوچک می شود و قدرت نفوذ شیطان هم در تو کمتر!

وقتش شده که اقدام کنی بر کار خیری که جایش در پرونده اعمال خالی است. همان که جاودانه ات می کند و پرونده اعمال را تا قیامت باز می گذارد و هر روز ثواب تازه ای بر آن می افزاید.

حساب و کتاب هایت را می کنی و بعد از جدا کردن مخارج زندگی - که تأمینش جزء وظایف توست، عزم را جزم میکنی بر آن کار، بر «وقف»..

قال الله تعالى: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا؛ مال و فرزند، زینت زندگی دنیاست؛ و باقیات الصالحات (ارزش های پایدار) ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش تر است» (1).

راه بی نهایت

انسانها کمال را دوست دارند. اینکه به انتها برسند و بالا و بالاتر روند. حالا در هر زمینه ای که هستند! یک معلم دوست دارد بهترین و بالاترین

ص: 31

معلم باشد. یک دانشجو دوست دارد به انتهای علم برسد و یک مؤمن واقعی دوست دارد هرچه می تواند به خدا نزدیک تر شود و کاری کند که بعد از مرگش هم نزدیک شدنش به خدا قطع نشود.

یک راهش این است که وقف کنیم و کار خیر، و راه دیگرش که می شود همزمان با وقف انجام داد، کمک به دیگران برای فهمیدن «وقف» است. انسان های زیادی هستند که از وقف سر در نمی آورند، یا اینکه اهمیتش برای شان روشن نشده است.

لازم نیست حتما چیزی را وقف کنیم تا در ثواب وقف شریک باشیم، حالا که هیچ راهی برای وقف کردن نداریم، انسان هایی که از وقف نمی دانند را با وقف آشنا کنیم؛ همین که چیزی وقف کنند، اسم ما نیز در کنارشان پیش خدا ثبت می شود. راه وقف، راهی بی نهایت است و تمامی ندارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ»؛ کسی که دیگری را بر کار نیک راهنمایی کند همانند کسی است که آن کار نیک را انجام میدهد»⁽¹⁾.

ص: 32

- سه - چه چیزی و برای کجا؟

اشاره

ص: 33

چه چیزی را وقف کنم و برای کجا؟

حالا که دیگر نیت وقف کرده ای، این سؤالی است که ذهن تو را درگیر کرده.

نگاهی به سیره اهل بیت علیهم السلام می اندازی می بینی مورد وقف لزوما نباید شیء خاص یا مکان خاصی باشد. می بینی که امیرالمؤمنین علیه السلام از پیشگامان وقف بوده و به خودت می بالی که می خواهی کاری انجام دهی که تو را بیشتر شبیه مولایت میکند. موقوفات امیرالمؤمنین علیه السلام را که می خوانی، متوجه می شوی که نیازی نیست حتما مسجدی را وقف کرد و یا بیمارستانی. هر آنچه گره ای از کار مردم باز کند و باعث آسایش آنها شود، قابل وقف کردن است.

شیطان باز هم برایت تله ای دارد؛ این بار مانع تو نمی شود، ولی می خواهد انگیزه هایت را دنیایی کند: ریا، شهرت و...! ولی انگیزه امیرالمؤمنین علیه السلام را که می خوانی، دلت می لرزد:

ص: 34

«برای جلب رضایت خداوند وقف کردم تا به سبب آن مرا داخل بهشت برین فرماید و از آتش دورم دارد و آتش را از صورتم دور فرماید، در روزی که صورتهایی سفید و صورتهایی سیاه اند». (1)

تصور عذاب الهی، مورا بر تنت راست می کند و عزم را جزم تر. دیگر حتی ذره ای به این فکر نمی کنی که نامت را بزرگ بنویسند و روی موقوفه ات بزنند. مولایت به تو یاد داده که باید برای جلب رضایت خدا وقف کنی و برای آسایش و رفاه مردم.

خود توهم یکی از این مردمی. فکر می کنی به شبانه روزی که می گذرانی: یاد آن روز تابستان می افتی که دختر کوچکت در بازار تشنه شده بود.

دنبال یک لیوان آب گشتی و آخر به مسجدی رسیدی که آب سردکردنش نیاز به تعمیر داشت و تأسف می خوردی که یک نفر برای تعمیر آن پیش قدم نشده است.

به خاطر می آوری روزهایی را که زیر برف و باران در ایستگاه اتوبوس منتظر

ص: 35

1- «ابتغاء وجه الله لیولجنی الله به الجنة ویصرفنی عن النار ویصرف النار عن وجهی یوم تبيض وجهه وتسود وجهه». بحارالانوار، ج 184، ص 103.

می ایستادی و چه قدر احساس نیاز می کردی به سقفی که چتری باشد برای مسافران.

یاد امامزاده شهرتان می افتی که در ایام شلوغی و مناسبت ها، ظرفیت پذیرایی از زائران را ندارد و اگر بتوانی در توسعه امامزاده شریک شوی، تا قیامت ثوابی از زیارت هر زائر نصیب تو می شود.

کمبود و نواقص مدرسه فرزندان به یادت می آید که مدیر در جلسه اولیا و مربیان از آنها گله کرده بود و تو در جلسه، به فرشته نجاتی فکر میکردی که باید بیاید و تمام این مشکلات را حل کند.

بیشتر که فکر میکنی، می بینی انگار خیلی بیشتر از آنچه تصور می کردی، گره وجود دارد و تونمی توانی به تنهایی کاری از پیش ببری.

دوباره شیطان به سراغت می آید و توان تو را در مقابل این همه مشکل تحقیر میکند و کار خیر تو را این قدر ناچیز و کوچک جلوه می دهد که از انجام دادنش، خجالت بکشی.

دوباره باید از اهل بیت علیهم السلام کمک بگیری؛ سراغ احادیث ارزشمندشان که می روی، می بینی امیرالمؤمنین علیه السلام ملاک بزرگی کار را، پذیرش الهی قرار

داده اند و چه زیبا فرموده اند که: «مگر می شود کاری که مورد قبول خداوند است، کم و کوچک باشد؟» (1).

دلت آرام می شود، ولی دوست داری بیشتر با این سخنان انس بگیری؛ بیشتر می خوانی و به این کلام ارزشمند که می رسی، احساس میکنی که انگار امیرالمؤمنین علیه السلام دارد با تو سخن می گوید: «کار نیک را انجام دهید و چیزی از آن را کوچک بشمارید، چرا که کوچک آن بزرگ مقدار است و اندک آن بسیار» (2).

دیگر کار خودت را کوچک نمیدانی. باز هم شیطان شکست می خورد و تو پیروز می شوی. اما هنوز فکر اینکه بخواهی در محضر خدا، کاری به این کوچکی انجام دهی، باعث خجالتت می شود. این حدیث را که می خوانی دیگر کار تمام می شود و جای هیچ شک و شبهه ای باقی نمی ماند:

«از بخشش اندک خجالت نکش؛ چرا که محرومیت [از انجام همین

ص: 37

1- «لَا يَقْبَلُ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَى، وَكَيْفَ يَقْبَلُ مَا يُتَقَبَّلُ؛ با وجود تقوا هیچ عملی کم نیست، چگونه کم خواهد بود چیزی که مورد قبول قرار گیرد؟». نهج البلاغه، حکمت 95.

2- «افْعَلُوا الْخَيْرَ وَلَا تَحْقِرُوا مِنْهُ شَيْئًا، فَإِنَّ صَغِيرَةً كَبِيرٌ وَقَلِيلَةٌ كَثِيرٌ». نهج البلاغه، حکمت 422

بخشش اندک از آن کمتر است» (1).

باید زودتر دست به کار شوی و آن گره‌هایی که توانایی باز کردنش را داری، باز کنی. باید توهم «واقف» شوی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ أَرَادَ أَنْ تُسَدَّ تَجَابَ دَعْوَتُهُ وَأَنْ تُكْشَفَ كُرْبَتُهُ، فَلْيَفْرَحْ عَنِ مُعْسِرٍ؛ هر کس می خواهد دعایش مستجاب شود و غمش از بین برود، باید گره از کار گرفتاری باز کند» (2).

یک داستان و حرف حساب!

مثل تمام روزهایی که گذارش به آن کوچه می افتاد، پاشل کرد... نشده بود از سر این گذر رد شود و ته دلش یک جوری نشود. خوب که فکر میکرد دقیقاً نمی توانست بفهمد چه حسی است که این طور روانش را به هم می ریزد. مخلوطی از احساس زیان، دلتنگی، حسرت، ترس از آینده، میل به پیروزی و احساسات مشابه.

ص: 38

1- «لَا تَسْتَحِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ - فَإِنَّ الْجِرْمَانَ أَقْلُ مِنْهُ». نهج البلاغه، حکمت 444.

2- نهج الفصاحه، ص 759، ح 2961.

هر جور حساب می کرد نمی شد. نعوذ بالله کفر نباشد، انگار خدا هم پارتی بازی کرده بود و ثواب های درست و حسابی اش را نگه داشته بود برای بنده های پول و پله دارش!

با همه ی اینها یک هفته ای بود که عمداً راهش کج می شد این طرفی. می آمد سرهمین گذر روبه روی همین مسجد می نشست و بساطش را پهن می کرد.

همه چیز توی بساطش پیدا می شد؛ از کاسه بشقاب و لیوان بگیر تا گل سر و بدلیجات برای دختر بچه ها.

می نشست و به آن ظهری فکر می کرد که از تشنگی حواسش جمع مسجد شد. نه که خدای نکرده اهل نماز و روزه نباشد، نه! اما عادت کرده بود همیشه همان جا کنار بساطش قامت ببندد. هم حواسش جمع خرت و پرت هایش بود، هم لازم نبود همه را جمع کند و این کوچه و آن کوچه دنبال مسجد بگردد. یک نگاه به آسمان می انداخت، قبله را پیدا می کرد و همان جا زیر آسمان، نمازش را می خواند.

تا ظهر آن روز که تشنگی فشار آورد و به خاطر آب پا توی مسجد گذاشت. رفت کنار آب سردکن. هر چه این ور و اون ور کرد، لیوانی پیدا نکرد. مجبور

شد دست های چرک گرفته اش را زیر شیر بگیرد و آب بخورد.

خنکای آب توی آن گرما، انگار تمرکز را به مغزش و شنوایی را به گوشش برگرداند! حاج آقای مسجد داشت می گفت: مال وقفی یعنی مضاربه با خدا... نمی دانست مضاربه یعنی چه، اما همین قدر دستگیرش شد که هر کس وقف کند، کلی سود گیرش می آید. مخصوصا وقتی بمیرد و دیگر نتواند کار خیری برای آخرتش بفرستد. یک چیزی شبیه همین بیمه های از کارافتادگی که اگر پول خرید یکی اش را داشت، حداقل می توانست مطمئن باشد که بعدها که پیرشد، یک روز از گشنگی کنارهمین خیابان ها نمی میرد.

حالا دیگر یک هفته ای بود می آمد اینجا می نشست و به بهانه های الکی می رفت توی مسجد میپلکید. انگار از این وقت گذرانی ها، از ثواب وقف مسجد به او هم میدهند.

یک روز حاج آقا روی منبرداشت میگفت: «یک خاک انداز از انبار بیرون کشیدم و گفتم همین خوب است. این خاک انداز وقف حسینه ی ما! مگر می شود؟ بله که می شود... حتما مال کلان نمی خواهد. اصل مالت بماند سودش به برسد، کافی است که بشود وقف»..

ص: 40

برگشت و از لابه لای نرده های حیاط مسجد به بساطش نگاه کرد. در بساطش کلی لیوان پیدا می شد که این آب سردکن به آنها نیاز داشت!

امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام فرمودند: «المالُ ما أفادَ الرَّجَالَ؛ دارایی آن است که به مردمان سود رساند». (1)

مثل هوا

بسیاری از مشکلات جامعه، به خاطر صحیح نبودن فرهنگ است. فرهنگ مثل هواست و در همه جا جاری! در هر اقلیم و منطقه و شغل و جغرافیایی فرهنگ هست. بپراه نیست اگر بگوییم بخشی از مشکلات اقتصادی، سیاسی، سلامت، ورزش و... همه یک جورهایی به فرهنگ هم برمی گردند. اگر فرهنگ کارکردن بین ما رایج باشد، فرزندان مان اهل کار بار می آیند و به دنبال مهارت می روند، نه لزوماً دنبال شغل دولتی رفتن! اگر فرهنگ سالم زندگی کردن در بین ما رایج باشد، کمتر بیمار می شویم و سالم زندگی کردن می شود پیشگیری از بسیاری از بیماری ها و مشکلات جسمی.

ص: 41

1- غرر الحکم، ح 508.

کسانی که در کشور کار فرهنگی می کنند، در واقع مهم ترین و ارزشمندترین دارایی شان، یعنی وقت شان را وقف انجامش کرده اند. چه خوب است دست این افراد را بگیریم و با وقف کمکی کنیم به خودمان و آنها به خودمان برای آخرتشان و به آنها برای پیش برد مسائل و فعالیت های فرهنگی، مثل وقف تجهیزات ساده اداری نظیر رایانه و دوربین یا سایر نیازهای آنها همچون محل کار و...

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «درهم الرّجل ینفق فی صحّته خیر من عتق رقبه عند موته.»؛ درهمی که انسان در حال صحت در راه خدا خرج کند، بهتر از بنده ای است که هنگام مرگ آزاد کند» (1).

یک دوربین ساده

از وقتی دوره کلاس عکاسی را تمام کردی، دیگر دلت با دوربینت صاف نمی شود. نه اینکه خراب شده باشد یا حتی قدیمی شده باشد؛ نه! هنوز یک سال هم از خریدنش نگذشته. تازه با اخلاقی که تو داری و به قول

ص: 42

معروف مثل چشمت، مراقب وسایلت هستی، انگار همین چند روز پیش آن را خریده ای. ولی هر چه باشد الآن تو یک عکاس حرفه ای هستی و باید دوربینت هم حرفه ای باشد. پس این همه آموزش دیده ای برای چه؟ تنظیم اندازه دیافراگم و سرعت شاتر دوربین و هزار تنظیم تخصصی دیگر که دوربین تو هیچ کدام را ندارد.

وارد مغازه که می شوی، همه معلومات را به رخ فروشنده میکشی و بعد از کلی بالا- و پایین کردن و مقایسه امکانات دوربین های مختلف، بالاخره دوربینی را که لازم داری، می خری.

در خانه، بلافاصله می روی سراغ دوربین قبلی و تمام عکس هایت را در کامپیوتر خالی می کنی و دوربین و وسایلت را منظم می چینی توی جعبه اش. تقریبا از دوربین نو چیزی کم ندارد!

فکر میکنی که حالا- چه کارش کنی. موبایلت زنگ می خورد، باز هم از مرکز فرهنگی قرآنی امام زاده محله تان است. حتما می خواهند دوباره از تو بخواهند که با دوربینت بیایی و از مراسم امشب شان عکس بگیری.

نیازی به بیشتر فکر کردن نیست. دوربینت از این لحظه «وقف» می شود

برای امام زاده و برنامه های فرهنگی اش. دور و بر ما چیزهایی شبیه این دوربین کم نیست.

امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام فرمودند: «الْمَالُ يُكْرِمُ صَاحِبَهُ مَا بَدَّلَهُ، وَيُهِينُهُ مَا بَخَلَ بِهِ؛ مال و ثروت، صاحب خود را تا زمانی که آن را بذل و بخشش کند، گرامی می گرداند و هرگاه بخل ورزد خوارش می سازد». (1)

هاروارد و الازهر!

وقف برای فعالیت های علمی در کشور ما خیلی غریب است. تاریخچه وقف را که نگاه دقیق تری بیندازیم، می بینیم دوره شکوفایی وقف، با تدبیر نظام الملک، تبدیل شد به دوره شکوفایی علم و تأسیس دانشگاه های بزرگ بغداد و نیشابور.

بی گمان، هزینه های تأسیس و تجهیز محیط های آموزشی بسیار بالاست و نیاز جامعه به این محیط ها بسیار بالاتر؛ چرا که پیشرفت علمی، زیربنای پیشرفت اقتصادی و استقلال سیاسی کشور هم هست و جامعه ی بی سواد،

ص: 44

1- غرر الحکم، ح 1838.

همیشه باید دست‌گذاری به سمت دیگران دراز کند. مانند زمان شاه کهحتی برای ساده‌ترین بیماری‌ها، گدای پزشکان خارجی بودیم. مراکز علمی بزرگی مثل دانشگاه هاروارد در آمریکا، دانشگاه آکسفورد در لندن، نظامیه بغداد و حتی الأزهر مصر، همه نمونه‌هایی هستند از مراکزی که عده‌ای هزینه‌هایش را تقبل کرده‌اند تا در آنها فعالیت‌های علمی صورت بگیرد. یعنی چیزی شبیه همان وقف خودمان. امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: «وَلِسَانُ الصَّادِقِ يَجْعَلُهُ اللَّهُ لِلْمَرْءِ فِي النَّاسِ خَيْرًا لَهُ مِنَ الْمَالِ يَرِثُهُ غَيْرُهُ؛ نام نیکی که خدا [در سایه‌ی نیکوکاری و محبت] به انسان عطا می‌کند، از ثروتی که به هر حال برای دیگران به ارث می‌گذارد، بهتر است.»⁽¹⁾

نرم افزاری ساده!

همه‌ی دانشگاه‌ها و مراکز علمی بخشی دارند به نام «سایت». جایی که در آن سیستم‌های کامپیوتری قرار دارد و دانشجو‌ها و پژوهشگرها برای

ص: 45

کارهای علمی و تحقیقاتی شان به آن جا می روند و از امکانات موجود استفاده میکنند.

بسته به اینکه چه نرم افزارهای علمی و بانک های اطلاعاتی ای در این سیستم ها وجود داشته باشد، کار پژوهش محققین با موفقیت، سرعت و دقت بیشتری انجام می شود.

امروزه مؤسسات علمی و حوزوی لوح های فشردهی نرم افزاری مختلفی را برای محققین تولید کرده اند که جای خالی شان در بسیاری از سایت های دانشگاهی احساس می شود.

یک ابتکار ساده و کوچک اما با فایده های بزرگ این است که شما در قامت یک واقف، این نرم افزارها را تهیه کنید و با هماهنگی مسئولین دانشگاه و مراکز علمی، وقف آن مرکز نمایید.

طبیعت وظیفهی حفظ و نگهداری از مال موقوف و استفاده از آن در موضوع وقف یک واجب شرعی است. کار شما در اینجا تمام می شود، اما استفاده های علمی محققین از نرم افزارهایی که شما وقف کرده اید تمامی ندارد.

ص: 46

خداوند می فرماید: «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ»؛ برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است و سرای آخرت از آن هم بهتر است و چه خوب است سرای پرهیزکاران!» (1)

خیلی از بیماری هایی که در حال حاضر در جامعه وجود دارد، نتیجه ضعف مسائل بهداشتی است. پیشگیری بهتر از درمان است، هزینه اش هم به مراتب پایین تر است. اگر عده ای همت کنند برای وقف جهت مسائل بهداشتی، در حقیقت کمک کرده اند به پیشرفت کشور؛ چرا که افراد سالم می توانند کشور را پیشرفت بدهند. در این زمانه که انواع غذاها، بی تحرکی، استرس و... سلامتی ما را نشانه گرفته اند، جای خالی زندگی سالم به شدت حس می شود. افسردگی، خشونت طلبی، انزوا و... باعث مشکلات زیادی برای خانواده ها خصوصا نوجوان ها و جوان ها شده اند. وقف برای سلامتی و سالم زندگی کردن می تواند کمک زیادی به حل این مسائل کند. زندگی

ص: 47

1- سوره ی نحل، آیه یه 30.

سالم را با وقف به دیگران هدیه دهیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله که می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ الْبَخِيلَ فِي حَيَاتِهِ، السَّخِيَّ عِنْدَ وَفَاتِهِ؛ خداوند از کسی که در زندگی بخیل باشد و در هنگام مرگ سخی شود، نفرت دارد».(1)

فراموش شدگان!

ایران، شهرها و روستاهای زیادی دارد. بخشی از این روستاها به دلیل کمبود امکاناتی که دارند، به نام مناطق محروم شناخته می شوند. نیازهای این مناطق نیز زیاد است و ما نمی توانیم همه آنها را حل کنیم، اما می شود دل بچه های آن مناطق را شاد کرد. مثلاً چند اسباب بازی را وقف کنیم برای بازی آن بچه ها. خنده ها و شادی هایشان باعث می شود خدا نیز لبخند رضایت بزند به کارمان. یا مثلاً خیلی از تازه عروس ها هستند در این مناطق که برای شب عروسیشان نیاز به لباس دارند! می شود چند لباس عروس وقف کرد برای تازه عروس های این مناطق تا به رایگان از آنها استفاده کنند.

ص: 48

یا در برخی از این مناطق، دسترسی به کتاب های کمک درسی بسیار سخت است و قدرت اقتصادی هم برای خانواده ها وجود ندارد که این کتاب ها را تهیه کنند. می شود یک یا چند کتاب کمک درسی خریداری کرد و وقف شان کرد برای استفاده بچه های محروم آن منطقه.

ایده زیاد است و کار نشده فراوان!

امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام فرمودند: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا مَاتَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ مَا قَدَّمَ؟ وَقَالَ النَّاسُ: مَا آخَرَ؟ فَقَدَّمُوا فَضَّلاً لَا يَكُنْ لَكُمْ وَلَا تُؤْخَرُوا كُلاًَّ يَكُنْ عَلَيْكُمْ؛ فَإِنَّ الْمَحْرُومَ مِنْ حُرْمِ خَيْرِ مَالِهِ وَالْمَعْبُوطَ مَنْ تَقَلَّ بِالصَّدَقَاتِ وَالْخَيْرَاتِ مَوَازِينَهُ؛ هِرْغَاهُ بِنْدِهِ بَمِيرِدٍ، فَرَشْتِغَانٌ گویند: چه پیش فرستاد؟ و مردم گویند: چه بر جای گذاشت؟ پس، زیادی مال خود را پیش فرستید، تا برای شما باشد و بر جای نگذارید تا مایه حسرت شما گردد؛ زیرا محروم کسی است که از خیر و منفعت مال خود محروم بماند و سعادت مند کسی است که ترازوهای اعمالش از صدقات و خیرات سنگین شود».(1)

ص: 49

پدر با سرعت دارد راه می رود و حسابی هم عرق می ریزد. مادر هم دست بچه های قد و نیم قد را گرفته و آنها را به زحمت دنبال خود می کشد. دست هر کدام از بچه ها وسیله ای است. لابد برای سبک تر کردن بار پدر، دارند به او کمک می کنند. کاملاً معلوم است کمی دیر رسیده اند و باید عجله کنند. یکی از بچه ها خود را به پای پدر چسبانده. انگار از راه رفتن خسته شده و می خواهد مثل وقت هایی که به پارک می روند، بابا او را بغل کند. دوست داری بروی کمکشان، ولی خجالت میکشی.

پدر به سختی دارد دو چمدان بزرگ را دنبال خود می کشاند. چرخ یکی شان شکسته و به سختی حرکت می کند. پدر اصلاً حال خوبی ندارد. تشری به کودک می زند و فریادی بر سر مادر که بچه را ساکت کند. حال مادر هم دست کمی از او ندارد، ولی چیزی نمیگوید. انگار عادت کرده که در هر مسافرت، سر حمل و نقل اسباب و وسایل شان، این معرکه را تحمل کند.

با خودت فکر میکنی چقدر جای چند کاری برای خانواده هایی که

وسایل شان زیاد است، خالی است تا از آنها برای انتقال وسایل شان از درب ترمینال تا پای اتوبوس استفاده کنند. گاری هایی که رایگان باشند و خانواده های کم بضاعت هم بتوانند کیسه ها و گونی هایی را که برای شان در حکم چمدان است، با آن جابجا کنند. چنگاری که وقف شده باشند برای این کار

لبخند می زنی. بهانه خوبی پیدا کرده ای برای این که توهم «واقف» شوی .

حضرت علی علیه السلام می فرمودند: «وَأَعْلَمُ أَنَّ أَمَامَكَ طَرِيقًا ذَا مَسَافَةٍ بَعِيدَةٍ، وَمَشَقَّةَ شَدِيدَةٍ، وَأَنَّهٗ لَا غِنَىٰ بِكَ فِيهِ عَنِ حُسْنِ الْإِزْتِيَادِ، وَقَدْ دُرِّبَلَاغِكَ مِنَ الزَّادِ، مَعَ خِفَّةِ الظَّهْرِ؛ آگاه باش! راهی بس طولانی و دشوار در پیش داری و در پیمودن آن راه از کردار پسندیده و توشه ای چندان که تو را سبکبار به منزل برساند بی نیاز نیستی» (1).

مشارکت در دانش!

همه ما کتاب های زیادی داریم که آنها را خوانده ایم و احتیاج خاصی بهشان نداریم. اطراف مان پر است از آدم هایی که نیاز دارند به خواندن آن

ص: 51

کتاب ها. رویشان بنویسیم «وقف خوانده شدن»! و وقفش کنیم برای خواندن مردم.

صفحه اولش یک کاغذ بچسبانیم تا کسانی که می خوانند اسم شان را بنویسند. مدت ها بعد شاید کتاب از بین رفته باشد، اما افراد زیادی آن را خوانده اند و در این علم و دانش شان، ما هم سهیم بوده ایم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ، قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ، قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ.»؛ سخاوتمند به خدا، مردم و بهشت نزدیک است».(1)

مرکز مشاوره!

مشکلات روحی و روانی، از مشکلات مهمی است که متأسفانه جدی گرفته نمی شود و اهمیتش وقتی معلوم می شود که دیگر کار از کار گذشته و پشیمانی سودی ندارد. شاید شما هم در خبرها خوانده باشید اقدام به خودکشی هایی که برای خلاصی از یک ازدواج اشتباه اتفاق افتاده، یا معتاد شدن هایی که محصول ارتباط اشتباه پدر و فرزند است، یا خیابانی شدن

ص: 52

1- کافی، ج 4، ص 40.

دخترهایی که احساس کمبود محبت در خانه، آنها را راهی خیابان ها کرده و حالا خود و اطرافیان شان به قدری پشیمانند که خدا میداند و بس.

البته شاید افراد بسیار زیاد دیگری هم باشند که به خاطر مشکلات ریز و درشت شان دست به کارهایی زدند که باعث پشیمانی شان شده و فقط چند ساعت مشاوره، راهی جلوی پای شان میگذاشت که هم مشکل شان را حل می کرد و هم کارشان را به این جا نمی رساند.

راه اندازی یک مرکز مشاوره که واقعی هزینه هایش را تأمین کند تا بتواند با کمترین هزینه به نیازمندان مشاوره دهد، تیتربعضی اخبار حوادث روزنامه ها را تغییر می دهد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ أَرْبَعَ عِلَامَاتٍ: وَجْهٌ مُّبْسِطٌ وَ لِسَانٌ لَطِيفٌ وَ قَلْبٌ رَحِيمٌ وَ يَدٌ مُعْطِيَةٌ؛ بهشتیها چهار نشانه دارند: روی گشاده، زبان نرم، دل مهربان و دست دهنده» (1).

ص: 53

1- مجموعه ورام، ج2، ص91؛ امالی، شیخ طوسی، ص683.

یک شارژر کوچک!

این صحنه برای خیلی از ما تکراری است: کشور را باز می‌کنیم، یک عالمه سیم برق که گره خورده اند به هم. هندزفری، کابل های اتصال موبایل به کامپیوتر و چند تا شارژر شارژرهایی که وقتی گوشی مان را عوض کرده ایم، مانده اند روی دست مان و تنها فایده شان این است که سیم شان گره بخورد به سیم های دیگر!

هیچ فکرش را کرده‌ای همین شارژری که از نگاه ما فقط مایه ی دردسر و عذاب است، می‌تواند بشود وسیله ای برای شارژ گوشی کسانی که مثلاً برای عزاداری به حسینیه می‌روند، یا نمازگزاران نماز جمعه، یا مسافرانی که در ترمینال ممکن است گوشی های شان خاموش شده باشد و کسی چشم انتظارشان باشد؟

کمی به اطراف مان که نگاه می‌کنیم، یک وسیله ی کوچک مثل شارژر موبایل را می‌توانیم به گونه ای «وقف» کنیم که گره از کار دیگران باز کند. بودن یا نبودن این وسیله ی کوچک در زندگی ما تفاوتی ندارد، اما وقف شدنش

در راه استفاده‌ی نامحدود آدم‌های دیگر، در جایی بهتر از کشوی شلوغ خانه مان، حتی ممکن است وسیله‌ی نجات ما در آن دنیا شود.

فکرش را کنید:

دختر دانشجویی در حال برگشتن به شهرش باشد و گوشی‌اش خاموش شده و مادرش نگران حال او. به محض رسیدن به استراحت گاو بین راه، از شارژری که شما وقف استفاده‌ی مسافران کرده‌اید استفاده کند، با مادرش تماس بگیرد و او را از نگرانی در بیاورد و دعای خیر یک مادر بشود پاداشی برای وقف کوچک شما. فرقی نمی‌کند این اتفاق در زمان حیات شما بیفتد یا زمانی که دست تان از دنیا کوتاه شده. ثواب وقف تمامی ندارد.

اگر شارژری اضافی هم در خانه نداشتی، باز هم این فرصت را از دست نده، مگر خرید یک یا چند شارژر چقدر هزینه می‌برد؟

امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام فرمودند: «طُوبَى لِمَنْ أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ وَأَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ لِسَانِهِ؛ خوشا به حال کسی که زیادی مال خود را انفاق کرد و زبانش را از زیاده‌گویی نگه داشت».⁽¹⁾

ص: 55

تابستان‌ها، مخصوصاً در شهرهای کویری، گرما آن قدر کلافه‌کننده می‌شود که مردم فقط برای ضروری‌ترین کارهای‌شان از خانه بیرون می‌روند. در چنین آب‌وهوایی، پاساژها، مغازه‌ها، رستوران‌ها و مراکز خدماتی برای عقب‌نماندن از بازار رقابت و جذب مشتری بیشتر، سعی می‌کنند گرما را از یاد و خاطر مردم ببرند. آنها به کمک کولرهای آبی و اسپلینت‌های گازی پر قدرت، محیط کار و مغازه‌شان را آن قدر خنک و مطبوع می‌کنند که مشتری تا لحظه‌ای که آن جاست، تابستان و گرما را فراموش کند.

اما میان رقابت بازاری‌ها برای جذب مخاطب بیشتر، کسی هم هست برای خانه‌ی خدا دنبال مهمان بیشتر بگردد؟ کسی هست بگوید خانه‌ی خدا در تابستانی کویری شهرما گرم است و ممکن است مردم به خاطر گرمای بیش از اندازه به مسجد نیایند؟ کسی به فکر این هست که نمازگزاران در خانه‌ی خدا گرم‌شان نشود و لحظه‌های آرام و مطلوبی را سپری کنند؟

«وقف» می‌تواند راه خوبی باشد که شما چنین شخصی باشید. همان

کسی که با وقف یک کولر یا اسپلیت برای مسجد محله، باعث می شود «گرما» مردم را از خانه ی خدا دور نکند. باعث می شود کودکان محله، تنها و تنها به خاطر هوای خوب و خنک، پایشان به مسجد باز شود.

فکرش را بکنید: کودکی روزهای اول فقط به خاطر فرار از گرمای کوچه به مسجد بیاید. آن جا به کلاس های قرآن دعوت شود و این بهانه ای شود برای رشد فکری و فرهنگی اش. به قرآن علاقه مند شود و شاید در آینده بشود قاری قرآن. شاید سال های بعد بشود استاد و معلم قرآن. چه کسی از نقشه های خدا خبر دارد؟ شاید همین کودک بشود یک مفسر بزرگ قرآن کریم و آثار مهمی درباره ی حقانیت دین و کتاب خدا منتشر کند.

یقیناً چنین روزی که بیاید، نه شما، که حتی خود او نمی داند زندگی اش مدیون خاطره ای خوش از هوای خنک مسجد بوده. هوای خنکی که باعث وبانی اش «وقفی» از طرف شما بوده است؟

کسی که از همه ی این معادله ها خبر دارد خود خداست که هیچ ذره ای در این عالم از نگاه او مخفی نخواهد ماند؟

رسول خدا فرمودند: «رحم الله امرأ اکتسب طیّبا، وأنفق قَصدا، و

قَدَمَ فَضلاً لِيَوْمِ فِقْرِهِ وَ حَاجَتِهِ؛ خداوند رحمت کند کسی را که شغل پاکیزه داشته باشد، به اعتدال انفاق کند، و برای روز فقر و نیاز خویش [= قیامت]، خیری پیش فرستد». (1)

وسائل و مسائل!

برای خیلی ها، خرید یخچال یک میلیون تومانی مسأله و مشکل به حساب نمی آید. برای خیلی ها، عوض کردن کمدهای چوبی خانه، دغدغه ی مالی بزرگی نیست. برای خیلی ها خرید فرش، تلویزیون، اجاق گاز و وسائل آشپزخانه به راحتی قابل انجام است.

اما باورمان شود که همین وسائل ساده ی زندگی، برای خیلی از خانواده ها جزء دشوارترین مسائل زندگی شان است. پدرها و مادرهایی در شهر ما و شاید هم در همسایگی مان هستند که شب های زیادی را با دغدغه ی خرید همین وسائل برای ازدواج فرزندشان، صبح می کنند.

باورمان شود که خیلی از ازدواج ها لنگ چند میلیون تومان کالاهای

ص: 58

ضروری است. اگر به ماجرا این طور نگاه کنیم، کم ترین اقدامی که برای انجامش مصمم می شویم این است که تلاش کنیم موانع ازدواج اطرافیان مان را برطرف کنیم. می توان بخشی از اجاره خانه یا درآمد مغازه یا حقوق ماهیانه را به این کار اختصاص داد.

ازدواج با شرایط و وضع امروز، شرایطی دارد سخت و سنگین. از هزینه های عقد و عروسی گرفته، تا اجاره مسکن و... که باعث می شود عده زیادی به سمت ازدواج نروند و این گونه، هم سن ازدواج می رود و هم مشکلات بسیار زیادی جامعه را دربر می گیرد. اگر مردم دست به دست هم دهند، می توانند این مشکل را حل کنند. یکی از مهم ترین دلایل اینجاست که واقفین باید وارد عمل شوند! مثلاً سالنهایی ایجاد کنند برای برگزاری مراسم عروسی!

می شود قانون گذاشت کسانی که مهریه شان اندک است، (مثلاً 14 سکه است)، می توانند از این سالن استفاده کنند؛ یا حتی خانه هایی وقف کرد برای زوج های جوان و مثلاً شرط گذاشت که اگر می خواهند در این خانه زندگی کنند، باید مقداری از قرآن را حفظ نمایند!

ص: 59

ایده برای رساندن جوانان به آرامش زیاد است، فقط باید عمل کنیم. چیزی که زیاد است کار نشده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَا قَضَى مُسَدِّ لِمٍ لِمَسِّ لِمٍ حَاجَةً إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ ثَوَابِكَ وَلَا أَرْضِي لَكَ بِدُونِ الْجَنَّةِ؛ هیچ مسلمانی نیاز مسلمانی را برآورده نکند، مگر اینکه خدای تبارک و تعالی او را ندا دهد: پاداش تو بر عهده من است و من به کمتر از بهشت برای تو راضی نخواهم بود». (1)

وقتی نمی توانیم بیمارستان وقف کنیم!

خیلی ها با شنیدن نام «وقف» یاد خیرین مدرسه ساز یا بیمارستان های موقوفه می افتند. همین تصور است که باعث می شود وقف را خلاصه کنیم در ساختن مدرسه، بیمارستان، مسجد و... فکر کنیم غیر از اینها راهی برای «وقف» وجود ندارد؛ در حالی که می توان حتی یک لیوان پلاستیکی را هم وقف استفاده عموم کرد.

عده ی کمی هستند که از پس ساختن فضاهای عمومی مثل مسجد

ص: 60

1- کافی، ج 2، ص 194، ح 7.

و مدرسه برمی آیند و توانایی تأمین مخارج ساخت یک بیمارستان مجهز را دارند.

اما راه برای ما بسته نیست. خیلی از این اماکن، برای تهیه ی وسایل مورد نیازشان با مشکل روبه رو هستند. می توانیم به سادگی و به قدر توان خودمان، ابزار، وسایل و امکانات لازم در این مکان ها را تهیه و وقف کنیم.

می توانیم برای هر بیمارستان و مدرسه ای که در شهرمان وجود دارد، وسایل مورد نیازشان مثل تخت بیمارستانی، نیمکت کلاس، تخته سیاه، میز و صندلی، گلدان، قاب عکس، ساعت، وسایل آزمایشگاهی، وسایل اداری و... بخریم و وقف استفاده عموم در آن مکان کنیم.

شاید بد نباشد با هماهنگی ادارهی اوقاف شهرمان، نگاهی به لیست مراکز مهم وقف شده بیاندازیم. مکان هایی که چون به نام موقوفات شناخته می شوند، همه میدانند که باید از تک تک اموال موجود در آن به دقت محافظت و مراقبت کنند.

با این کار خیالتان راحت خواهد بود که آن چه وقف کرده اید، در راه

خودش استفاده می شود و آسیب نمی بیند.

پیامبر صلی الله علیه و آله : «إِنَّ أَسْرَعَ الْخَيْرِ ثَوَاباً أَلْبَرُ وَإِنَّ أَسْرَعَ الشَّرِّ عِقَاباً أَلْبَغِيُّ؛ پاداش نیکوکاری زودتر از هر کار خوب دیگری می رسد و کیفرستم و تجاوز زودتر از هرکار بد دیگری گریبان می گیرد».(1)

همه می تونند!

برای اینکه اسم تان جزو کسانی ثبت شود که در آبادی خانه خدا نقشی داشته اند، حتما لازم نیست فرش کل مسجد را متقبل شوید، یا هزینه بازسازی مسجد را داشته باشید. شما می توانید با خرید چند کتاب، یک جاکفشی کوچک یا حتی تعدادی مهر، اسم تان را در لیست الهی واقفین مسجد ثبت کنید.

وقف برای همه است و همه می توانند. همه این چیزهای ریز و درشت، مسائلی هستند که مردم به آنها نیاز دارند. مهم نیست آن نیاز چقدر کوچک باشد، مهم این است که ما برای رفع آن نیاز قدمی برداریم و قدمی که تا ابد به نام ما می ماند، «وقف» است.

ص: 62

امام صادق علیه السلام فرمود: «قَصَّاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عِتْقِ الْفِ رَقَبَةٍ وَ خَيْرٌ مِنْ حَمَلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ بر آوردن نیاز مؤمن بهتر است از آزاد کردن هزار بنده و بهتر است از تجهیز کردن هزار اسب برای جهاد در راه خدا».⁽¹⁾

برای کودکان

کتاب های شعر و قصه، یکی از مهم ترین سرگرمی های کودکان است. کتاب هایی که از نگاه کودکان فقط یک سرگرمی است، اما در حقیقت قهرمان شعرها و قصه ها الگوهایی می شوند برای کودکان ما در انتخاب سبک زندگی در بازار کتاب کودکان، با انبوهی از کتاب های شعر و قصه رو به رو می شویم که از زبان های مختلف ترجمه شده اند، البته تمامی محتوای این کتاب ها مشکل دار نیست، ولی طبیعی است که هر نویسنده و شاعری با توجه به نگاه ایده آل خود از زندگی، اقدام به نوشتن داستان و سرودن شعر میکند.

برای پرکردن کمبود کتاب های شعر و قصه کودکان، باید افرادی پیدا

ص: 63

شوند و اموالی را وقف کنند برای تهیه این کتاب‌ها؛ از هزینه‌های تألیف و چاپ گرفته تا توزیع و تبلیغ. کتاب‌هایی که هم خوب نوشته شده‌اند و هم طراحی کودک‌پسند داشته باشند؛ کتاب‌هایی که کمک کنند به حرکت بچه‌ها به سمت سبک زندگی اسلامی.

قرآن می‌فرماید: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ؛ بشتابید به سوی مغفرت پروردگار خود و به سوی بهشتی که پهنای آن همه آسمانها و زمین را فراگرفته و مهیا برای پرهیزگاران است. آنهایی که مال خود به فقراء در حال وسعت و تنگدستی، انفاق کنند».⁽¹⁾

ص: 64

1- سوره آل عمران، آیات 133 و 134.

- چهار - چگونه؟

اشاره

ص: 65

اکنون که با وقف، آثار و فضائلش آشنا شدیم، هرکس به وقف کردن و واقف شدن عشق و علاقه پیدا نموده، باید عجله کند. درنگ جایز نیست، باید شتاب نمود؛ چرا که شیطان حيله گر به کمین نشسته. همین که کسی اراده کار خیر کند، با هزار مکر و حيله، با قیافه ای خیرخواهانه، هرطور شده می خواهد راهش را سد نموده و مانع انجام کار خیر او شود.

شیطان برای منصرف نمودن افراد مؤمن از وقف کردن، از اسلحه های زیادی استفاده میکند؛ گاهی با سلاح تهدید به فقر و نشان دادن آینده ای تاریک؛ گاهی با زیبا جلوه دادن محبت زن و فرزند؛ گاهی با اسلحه جمع مال و تکاثر و گاهی با ... خلاصه هرطور شده نمی خواهد کسی به افتخار واقف شدن نائل آید.

از سوی دیگر، انسان اجلی دارد که در پی اوست. زمان رفتن و مردن مشخص نیست. به عمر نیامده نباید دل خوش بود و دل بست. فرصت زندگی امروز را باید غنیمت شمرد؛ چرا که هیچ کس نمیداند فردایی برای زندگی در دنیا دارد یا نه.

قرآن کریم نیز در سبقت به کار خیر تأکید نموده و اهل بیت علیهم السلام، عجله

در کار خیر را توصیه و آن را یکی از شرایط اتمام احسان و کار خیر شمرده اند.

حال هر که می خواهد به خیل واقفان بپیوندد بسم الله. تا دیر نشده و فرصت از دست نرفته، باید اقدام نمود.

کافی است سری به یکی از ادارات اوقاف و امور خیریه محل زندگی خود زده و با پرکردن «سند وقف» که «سند عاشقی» است، نام خود را ماندگار و جاودانه نمود. در هر شهر و شهرستانی که باشید، می توانید با در دست داشتن مدارک معتبر شناسایی خود و همچنین سند مالکیت آنچه را که می خواهید وقف کنید، به نزدیک ترین اداره اوقاف و امور خیریه رفته، دفترچه وقف نامه را پر کنید و با وقف کردن بخشی از دارایی خود، آن را ماندگار نمایید.

در ادامه، مهم ترین نکاتی که واقفین و خیرین، قبل از وقف باید بدانند، خواهد آمد.

1. معین نمودن پیگیری کننده ثبت وقف:

باید مشخص شود فردی که می خواهد وقف را انجام دهد کیست؟ آیا مالک حقیقی خودش می خواهد وقف کند، یا نماینده و وکیل قانونی

ص: 67

2. تعیین نوع مال:

یعنی (منقول است یا غیر منقول، عرصه یا اعیان)؛ البته در وقف پول بین مراجع معظم تقلید اختلاف نظر است.

3. تعیین تولیت موقوفه:

یعنی واقف باید متولی وقف (حقیقی یا حقوقی) را مشخص نماید. در صورت عدم تعیین متولی، تولیت موقوفه براساس قانون با اوقاف است.

4. تعیین ناظر بر موقوفه:

این مورد الزامی نیست، ولی تعیین ناظر بهتر است. البته سازمان اوقاف به صورت استصوابی بر موقوفات نظارت دارد.

5. تعیین مورد مصرف:

واقف باید محل و مورد مصرف عین یا منافع موقوفه را کامل و واضح

معین نماید. در صورت عدم تعیین، طبق قوانین مصوب عمل می‌گردد.

اولویت سنجی درنیات؛ یعنی به نیاتی که بیشتر مورد نیاز جامعه است و اثربخشی آن زیادتر می باشد، توجه شود.

6. جاری نمودن صیغه وقف:

یعنی با عبارتی به صورت زبانی و یا کتبی و یا عملی که حاکی از وقف باشد، اقدام به وقف مال مورد نظر شود.

7. ذکر شروط وقف:

قبل از جاری نمودن صیغه وقف، نسبت به درج شرایطی که لازمه وقف می باشد، اقدام گردد. به عنوان مثال: برای وقف مسجد لازم است از همان ابتدا مساحتی با تعیین طبقه مورد نظر، به عنوان مسجد مشخص شود و ملزومات موقوفه از قبیل سرویس بهداشتی، سالن اجتماعات یا پذیرایی، آشپزخانه، واحدهای فرهنگی، واحدهای مسکونی برای خادم، یا امام جماعت یا مبلغ و دفتر مدیریت، واحدهای تجاری و نیازهای دیگر، همراهبا تعیین محدوده آن در وقف نامه تصریح شود.

در صورت تعیین شروط ضمن عقد، شروط به صورت واضح و روشن در وقف نامه ذکر گردد و از درج شروط مبهم و مشکل ساز، خودداری شود.

8. اقباض:

به قبض دادن موقوفه؛ یعنی متولی وقف موقوفه را در اختیار بگیرد.

9. عمل به نیت وقف:

برای تحقق وقف، عمل به نیت واقف (انتفاعی یا منفعتی) لازم است.

10. بقاء موقوفه:

درآمد موقوفه ابتدا برای احیا، بقا و نگه داری موقوفه هزینه می شود. سعی شود برای بقای هر موقوفه، محل درآمدی در نظر گرفت.

11. تعیین حق التولیه و یا حق النظاره:

یعنی متولی باید میزانی از درآمد موقوفه را برای حق التولیه و یا حق النظاره مشخص نماید. در صورت عدم تعیین، براساس قانون عمل خواهد شد.

12. ضرورت تعیین تکلیف ابهام املاک

املاکی که در طرح شهرداری (مانند تعریض جاده یا خیابان و...) قرار دارند، پس از تعیین تکلیف با شهرداری و اصلاح سند، نسبت به وقف میزان باقی مانده اقدام گردد.

13. تأکید بر اخلاص

سعی شود در انجام وقف، اخلاص عمل مورد نظر باشد؛ به گونه ای نباشد که با وقف، موجبات تصبیح حقوق عده ای فراهم شود.

وقف با طیب خاطر و بدون اکراه و اجبار صورت گیرد و باعث تبعات ناخوشایند بعدی نباشد. به طور مثال، زندگی خودش و یا فرزندان و خانواده دچار مشقت نشود.

14. تنظیم وقف نامه رسمی

لزوماً و در صورت امکان، وقف به صورت رسمی و قانونی در یکی از دفاتر ثبتی صورت گیرد. باید توجه داشت که بعد از انجام مراحل وقف و تنظیم وقف نامه (رسمی و یا عادی) و تحویل موقوفه به متولی وقف، دیگر امکان ابطال وقف نامه و یا تغییر در مورد مصرف و یا شرایط وقف و مندرجات آن توسط واقف وجود ندارد. البته در شرایط ویژه و با حکم مراجع قضایی، ابطال وقف نامه ممکن خواهد بود.

15. درج مشخصات کامل:

مشخصات کامل واقف، متولی، ناظر و ملک مورد وقف همراه با آدرس دقیق در وقف نامه ذکر گردد.

ص: 71

16. رابطه واقف و موقوفه:

با انجام وقف، مال وقف شده از تحت تصرف و مالکیت واقف خارج می شود و چون واقف دیگر مالک نیست و نمی تواند مال موقوفه را به دیگری انتقال دهد، ولی واگذاری موقوفه به صورت بهره برداری از منافع عین ممکن است. (در قالب اجاره واگذاری به صورت تملک اعیان و...).

17. وقف ملک مشاع:

اگرچه وقف به صورت مشاعی صحیح است ، اما بهتر است در املاکی که امکان افراز وجود دارد، قبل از وقف نسبت به افراز اقدام شود.

ص: 72

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر/ 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

